

# مطالعه قابلیت‌های الیاف به‌مثابه متریال در هنر چیدمان\*

عظیمه دزاشیبی<sup>۱</sup>، سمیه رمضان‌ماهی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار، گروه تصویرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۰۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰)

مقاله علمی-پژوهشی <https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.30090.1172>

## چکیده

در میان تنوع بی‌سابقه استفاده از متریال‌های مختلف در هنر معاصر، الیاف توانسته خود را به‌عنوان شاخه‌ای از هنر پست‌مدرن مطرح کند. تولید اثر هنری با الیاف، از اهمیت و پیشینه‌ای غنی در تمامی فرهنگ‌های جهان برخوردار است؛ با این حال، تا پیش از دوره معاصر، استفاده از این متریال هنری، تنها در بستر صنایع دستی و هنرهای کاربردی امکان‌پذیر بود و جزء هنرهای زیبا به شمار نمی‌آمد. در ابتدای قرن بیستم، با شکل‌گیری رویکردهای پست‌مدرن، گروهی از هنرمندان زن در آمریکا در برابر این نوع تقسیم‌بندی‌ها ایستادند و فعالیت‌های آن‌ها باعث شد این متریال هنری به‌عنوان بخشی از هنرهای زیبا شناخته شده و به موزه‌های هنرهای جدید راه یابد. با توجه به این تغییر پارادایم، مقاله حاضر در نظر دارد به این مساله بپردازد که دوخت و الیاف، چه قابلیت‌هایی برای ارائه در حوزه هنرهای تجسمی، از جمله هنر چیدمان دارند و این ویژگی‌ها چگونه می‌توانند مؤلفه‌های پست‌مدرن را بازتاب دهند. این نوشتار با هدف رسیدن به قابلیت‌های منحصر به فرد الیاف در حوزه هنر معاصر، به تحلیل آثار چند بانوی هنرمند مطرح در این حوزه می‌پردازد و تلاش می‌کند مؤلفه‌های پست‌مدرن را در آثار آنان بازخوانی کند. این تحقیق از نوع کیفی است و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات در آن، با ابزارهای مطالعه کتابخانه‌ای و متکی بر روش اسنادی است. نتیجه تحقیق نشانگر آن است که با برداشتن چارچوب‌های از پیش تعیین شده، دریچه‌ای جدید از قابلیت‌های الیاف، در دسترس هنرمندان قرار می‌گیرد که سبب خلق آثاری متنوع شده که سابقه‌ای مستقیم در گذشته و هنرهای صناعی ندارد. از مهم‌ترین این ویژگی‌ها می‌توان به بیانگری منحصر به فرد، امکان ارائه و چیدمان آثار در قالب هنر محیطی، قابلیت برقراری ارتباط لمسی، حضور اثر بدون واسطه برای عموم مردم و نیز امکان ورود مخاطب به اثر و ادراک بی‌واسطه اثر هنری توسط بیننده اشاره کرد.

**واژه‌های کلیدی:** هنر الیاف، هنر معاصر، هنرهای تجسمی، چیدمان محیطی، پارچه.

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد عطیه دزاشیبی در رشته نقاشی با عنوان «مطالعه کاربرد و جایگاه الیاف در هنر محیطی هنرمندان معاصر» به راهنمایی دکتر سمیه رمضان‌ماهی است.

<sup>1</sup> Email: Dezashibi.a@gmail.com

<sup>2</sup> Email: Ramezanmahi.s@soore.ac.ir

شيوه ارجاع به این مقاله: دزاشیبی، عظیمه رمضان‌ماهی، سمیه. (۱۴۰۱). مطالعه قابلیت‌های الیاف به‌مثابه متریال در هنر چیدمان. نشریه تخصصی هنرهای کاربردی، ۲(۳)، ۵-۱۹. DOI.org/10.22075/AAJ.2023.30090.1172

## مقدمه

در دنیای معاصر، نسبت میان انواع هنر، متریال‌های هنری، سبک‌ها و فرم‌ها تغییر یافته و مرزبندی انواع هنر، مانند آنچه در گذشته انجام می‌گرفت، به کنار گذاشته شده است. آنچه تا دیروز، مرز میان هنرهای زیبا<sup>۱</sup> و هنرهای کاربردی<sup>۲</sup> را مشخص می‌کرد، در عصر حاضر از میان رفته و هنرمند می‌تواند از هر امکانی برای خلق اثر هنری و بیان ایده خود بهره ببرد. بر این مبنا هنرمندان بسیاری کوشیده‌اند از الیاف به‌عنوان ابزاری برای بیان هنر استفاده کنند و از قابلیت‌های متنوع الیاف، پارچه و دوخت در خلق آثار خود بهره بگیرند.

در این زمینه، دست‌دوخته‌ها و تاپستری‌ها بخش مهم و بسیار گسترده‌ای محسوب می‌شوند که پیشینه آن‌ها (الزاماً نه به‌عنوان هنر) به دوران نوسنگی بازمی‌گردد. هنر الیاف<sup>۳</sup> و پارچه، ریشه و قدمتی دیرینه دارد که اکنون با بازخوانش آن، به هنر معاصر راه پیدا کرده و با استقبال روزافزون هنرمندان روبه‌رو شده است. این متریال کهن، به‌واسطه داشتن ویژگی‌های بیانی، بسیار حسی است و به‌دلیل تنوعی که در امکانات انواع چیدمان و نحوه ارائه آثار دارد، می‌تواند به برقراری و ارتباط لمسی نزدیک مخاطب با اثر منجر شود و از این‌رو در زمره هنرهای محیطی قرار گیرد.

این پژوهش به دنبال آن است که با مطالعه مؤلفه‌های پست‌مدرن از یک‌سو و ویژگی‌های الیاف از سوی دیگر، به این پرسش پاسخ دهد که دوخت و الیاف چه قابلیت‌هایی برای ارائه در حوزه هنرهای تجسمی معاصر دارند و چه ویژگی‌هایی در آثار خلق‌شده در عصر حاضر در مقایسه با آثار ادوار گذشته ایجاد شده که در حوزه کاربردی تحول‌آفرین بوده است. به همین منظور، در گام اول، نگاهی کلی به سیر تاریخی هنر

الیاف و دوخت خواهد شد. سپس به مهم‌ترین گرایش‌های هنری معاصر که با متریال الیاف و دوخت ایجاد شده‌اند، پرداخته شده و تلاش می‌شود ضمن تحلیل نمونه‌های موردی، قابلیت‌های الیاف و دوخت که هم‌داستان با نگرش‌های برآمده از پست‌مدرن هستند، تبیین شوند.

شایان ذکر است به‌واسطه اهمیت و ریشه‌داربودن این هنر، تاکنون مطالعات زیادی روی هنر الیاف صورت گرفته، ولی غالباً تأکید بر وجه سنتی دوخت و صنایع دستی آن بوده و کمتر به الیاف به‌مثابه متریال هنر معاصر پرداخته شده است؛ از این‌رو ضروری است با خوانش انواع هنرهای برآمده از این ماده هنری بتوان وجه خاص و منحصربه‌فرد آن را شناسی و بستر لازم را برای به رسمیت شناختن فرم‌های جدید هنری ایجاد کرد.

## پیشینه پژوهش

تعداد تحقیقات صورت‌گرفته مرتبط با هنر الیاف، تا حد چشمگیری اندک و محدود است. از جمله بیرانوند (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «هنر الیاف»، به تاریخچه هنر الیاف و اهمیت این رسانه به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم هنری دوران معاصر پرداخته و آثار مگدلنا آباکانوویچ<sup>۴</sup> را تحلیل کرده است. شریف‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله «نشانه‌شناسی فرهنگی در آثار هنر محیطی»، به موضوع تحت‌تأثیر قرارگرفتن مخاطب توسط هنر محیطی پرداخته و علاوه بر تعریف هنر محیطی به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنر جدید، به رابطه انسان با محیط نیز اشاره دارد. همچنین در ادامه، به نشانه‌های موجود میان طبیعت، فرهنگ و آثار محیطی پرداخته است. ایسا اورتر<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) در مقاله خود، «هنر الیاف و سلسله‌مراتب هنر و صنایع

دستی، ۸۰-۱۹۶۰» به موضوع تأثیر جنبه‌های تاریخی، نهادی و زیبایی‌شناختی بر شکل‌گیری جنبش هنر ایفای اشاره دارد و به استراتژی‌های متغیر میلدرد کنستانتین<sup>۶</sup> و جک لنور لارسن<sup>۷</sup> درباره سلسله‌مراتب هنر و صنایع دستی، با هدف بالابردن سطح هنر ایفای به هنر زیبا پرداخته است. سوزان بایزمن<sup>۸</sup> (۲۰۰۴) در مقاله «کالیفرنیا و انقلاب هنر ایفای»، به موضوع نقش تحول‌آفرین کالیفرنیا در انقلاب هنر پرداخته و علاوه بر رویدادهای اجتماعی و سیاسی در کالیفرنیا، به رویدادهای مربوط به هنر ایفای نیز اشاره می‌کند. کنستانتین و لارسن<sup>۹</sup> (۱۹۸۱) در «هنر پارچه: مسیر اصلی» به بررسی آثار و فعالیت‌های هنر پارچه و ایفای دهه ۱۹۷۰ و همچنین به جنبش هنر ایفای و قابلیت‌ها و قدرت این رسانه در هنر محیطی پرداخته‌اند. میلدرد کنستانتین در مقاله‌ای دیگر با عنوان «فراتر از هنر: هنر پارچه» (۱۹۷۳) به بررسی جامع جنبش هنر ایفای در دهه ۱۹۶۰ با حضور هنرمندانی از اروپا و ایالات متحده پرداخته است. جنیس جفریز<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) در مقاله «بافت و منسوجات: بافندگی در سراسر مرزها؛ نقد هنری فمینیستی نو: راهبردهای انتقادی» با ۲۵ هنرمند زن معاصر ایرلندی مصاحبه کرده و تجربیات این هنرمندان و زندگی و کار آن‌ها را در زمینه ساختن آثار هنر ایفای بررسی کرده است. شارون مارکوس<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «مسائل مهم در تاپستری»، به موضوع آرمان‌گرایی و محبوبیت دوباره جنبش هنر ایفای در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ و تأثیرات هنرمندان غربی از هنرهای غیرغربی پرداخته است.

گرچه پژوهش‌های ذکرشده، هنر ایفای در عصر معاصر، محور مطالعه خود قرار داده‌اند، هیچ‌یک به

قابلیت‌ها و تنوع وسیع ایفای و نحوه ارائه و چیدمان آن‌ها به‌مثابه هنر محیطی نپرداخته‌اند و از این نظر، موضوع مدنظر پژوهش حاضر، نو و تازه است.

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و توصیفی-تحلیلی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات در آن، به روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی و اینترنتی است. نمونه‌های مطالعاتی در این پژوهش، هنرمندان معاصر غرب هستند که آثارشان در ارتباط با دوخت، هنر ایفای و هنر چیدمان با مترال ایفای است. از آنجاکه تعداد این هنرمندان زیاد است، بنیان تحقیق بر بنای مؤلفه‌های پست‌مدرن و ویژگی‌های ایفای در هنر محیطی صورت گرفته و از آثار هنرمندان به‌صورت نمونه موردی استفاده شده است. انتخاب آثار نیز به‌صورت گزینشی هدفمند بوده و آثار چهار هنرمند انتخاب شده است که عبارت‌اند از: ارنستو نتو<sup>۱۲</sup> و چیهارو شیوتا<sup>۱۳</sup>، مگدلنا آباکانویچ<sup>۱۴</sup>، شیلا هیکس<sup>۱۵</sup> و یینکا شونبیار<sup>۱۶</sup>.

### سیر تاریخی هنر ایفای

پارچه‌ها بخش مهم و اساسی در زندگی بشر در آغاز تمدن تا امروز به حساب می‌آیند. ریشه‌های این هنر بر اساس آرای محققان، به صدهزار تا پانصد هزار سال پیش باز می‌گردد. هنر ایفای در ابتدا جنبه کاربردی داشت که در آن، به ساخت پتو، البسه و... می‌پرداختند. با گذشت زمان، این هنر گسترش یافت و دائماً در حال تغییر و به‌روزشدن بود (Gillow&sentence,2005).

فرایند بافندگی در ۲۷۰۰ سال پیش اختراع شد و آن را به یکی از قدیمی‌ترین اشکال فناوری بشری تبدیل کرد. در آغاز این هنر، ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه فاقد

غالباً هنگام مواجهه با آثاری نظیر سفال، فلز یا دست‌باافته‌ها، این پرسش در ذهن تداعی می‌شود که این آثار در زمره هنرهای زیبا قرار می‌گیرند یا هنرهای کاربردی؟ در دوره معاصر برخلاف باورهای پیشین، به‌واسطه توجه به فردگرایی و اهمیت یافتن امور جزئی به‌جای امور کلی، این دو دسته از انواع هنر عملاً با یکدیگر یکی شده و مرزی میان هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی نمی‌توان قائل شد. دیگر محصولات نه‌تنها از منظر صنعت و فن، بلکه از منظر زیبایی‌شناسانه هم قابل‌ملاحظه هستند؛ به‌طور مثال مدرسه باهاوس<sup>۱۷</sup> که متأثر از همین امر است، شاهد در هم آمیختن و مشارکت صنعتگران و هنرمندان بود. در واقع، هنرمندان معاصر با تلفیق افکار زیبایی‌شناسانه در قالب هنرهای کاربردی، به خلق آثار خود پرداختند.

### الیاف به‌عنوان رسانه هنر معاصر

پست‌مدرن، توجه به امر به حاشیه رانده شده را مدنظر قرار داد و بر همین اساس، دهه ۱۹۷۰ نقطه عطفی در این تاریخ شد. جنبش‌های فمینیستی با متمرکز شدن بر هنر زنانه، به انواع هنرهای زنان پرداختند و هنرمندانی چون جودی شیکاگو<sup>۱۸</sup> و میریام شاپیرو<sup>۱۹</sup> وجه تمایز میان منسوجات و هنرهای زیبا را به چالش کشیدند و تکنیک‌هایی را که به‌طور سنتی به قلمرو «صنایع دستی زنان» رانده شده بود، به‌عنوان ابزاری برای بیان ایده‌های خود به کار گرفتند؛ امری که تاریخ غنی از پارچه‌ها و بافته‌ها را به‌عنوان مترتیب خلاقیت‌های معاصر ایجاد کرد؛ از این رو در دنیای معاصر، اصطلاح هنر الیاف یا هنر نساجی، به آن دسته از آثار اشاره دارد که هرچند مبتنی بر منسوجات است، هیچ‌گونه کاربردی برای آن‌ها متصور نیست.

اهمیت بود و هدف اصلی آن، درست‌کردن پوششی مانند لباس، پتو و غیره برای حفاظت و گرم نگه داشتن بود. با گذشت زمان و تداوم فرهنگ‌های نوسنگی، منسوجات به‌طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر شدند و با چرخاندن الیاف، رشته‌هایی مانند نخ ایجاد شد که شبیه نخ در دنیای امروز بود.

هنر نساجی که شامل بافتن، گل‌دوزی، ملیله‌بافی، تاپستری، طراحی فرش و غیره است، طی قرن گذشته دستخوش یک رنسانس شده است. برخی هنرمندان، مرزهای آنچه را شامل نساجی می‌شد، بر هم زدند و آن را به‌عنوان رسانه وارد مرزهای نوینی کردند. جای تعجب ندارد که این رشته، این دو مقوله را در بر می‌گیرد. در ابتدای تاریخ طولانی خود، منسوجات به‌عنوان ابزار به کار می‌رفتند و به‌غیر از جنبه زیبایی آن، هیچ عملکرد قابل‌تشخیصی از هنرهای تجسمی را در پی نداشتند. این فرایند در طول زمان، با تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری مواجه شد. ساختار الیاف دیگر، مرزها را شکسته و پا را فراتر از بافندگی گذاشت و انسان با استفاده از فنون بسیاری مانند گره‌زدن، چین‌دادن، پیچاندن الیاف، حلقه‌کردن آن‌ها، ضربه‌زدن، در هم تنیدن، قلاب‌دوزی، مشبک‌کردن، تابیدن و غیره دست به خلق روش‌های دیگری در این حوزه زد. در دهه ۶۰ میلادی نگاهی متفاوت به موضوعات پارچه و الیاف و تکنیک‌های تهیه آن میان مردم آمریکا و فرهنگ آن به وجود آمد. توجه آن‌ها به هنر بافت آفریقایی‌ها و نیز نحوه رنگ‌آمیزی پارچه مردم خاور دور، به‌ویژه ژاپن، مرواریددوزی و رودوزی‌های هندیان و هنر زیراندازبافی و قالیچه‌جلب شد که با خود، نگرشی متفاوت به همراه آورد و سبب درک عمیق‌تر مردم از صنایع دستی و هنر الیاف شد (Getlein, 2008).

اگرچه این قلمرو قبل‌تر به‌عنوان «کار زنانه» دیده می‌شد، هنرمندان، به‌ویژه هنرمندان زن در دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰ شروع به بازپس‌گیری این حوزه و بالابردن آن به هنر عالی کردند. اغلب، این رویکرد جدید در هنرهای تجسمی در قالب چیدمان احجام و سطوح قابل‌ارائه است (Baizerman, 2004).

البته در این زمینه نمی‌توان جریان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را بر روند و شکل‌گیری دوخت به‌مثابه ابزاری برای بیان در خلق آثار تجسمی نادیده گرفت. حضور این جریان‌ها بستر لازم را برای شناخت و انتخاب ابزار و فرم‌های جدید هنری فراهم ساخت تا انتخاب این نوع مترال با تکیه بر هنر پست‌مدرن و همچنین نظریه‌های فمینیستی صورت پذیرد و دامنه وسیع‌تری از درک هنر و هنرمند پدیدار شود. همچنین جریان‌هایی چون جنبش نقش و تزئین<sup>۲۰</sup> و هیپی‌ها<sup>۲۱</sup> در این میان، نقش بسزایی داشتند. نکته حائز اهمیت این است که این هنر گرچه به‌ظاهر جنسیت و رویکرد زنانه دارد، حضور هنرمندان شاخص مرد، این نظر را که این هنر مختص زنان است، رد می‌کند.

دنایای معاصر، پیچیدگی، تنوع و تغییر در زندگی انسان‌ها را ایجاد کرده و با جابه‌جایی مرزهای کلاسیک، هنر و اثر هنری را نیز وارد جهانی تازه کرده است؛ از این‌رو، دیگر برخی الزامات برای هنر و اثر هنری وجود ندارد. هنرمند می‌تواند با به‌کارگیری ابزار و رسانه‌های نوین، فارغ از هرگونه باید و نبایدی، به خلق اثر هنری بپردازد. از جمله این رویکردهای تازه، توجه به قابلیت‌های منحصربه‌فردی است که الیاف و پارچه به‌عنوان یک رسانه در اختیار یک هنرمند قرار می‌دهد. می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تلفیق هنر گذشتگان و هنر معاصر در یک پیکر.

- حضور آثار بدون هیچ واسطه‌ای برای عموم مردم و فراهم‌شدن فرصتی تا مخاطبان بتوانند وارد اثر شوند.
- ایجاد احساس سیال و شناور در مخاطب، با احاطه‌شدن توسط الیاف و لمس آن‌ها.
- قابلیت چرخیدن به دور اثر و واردشدن درون آن.
- انطباق‌پذیری الیاف و پارچه با محیط، به‌طوری‌که فضا، اثر هنری و مخاطب، هر یک به‌عنوان عنصری مهم حضور دارند.
- انطباق‌پذیری زیاد بافت و الیاف و به‌کارگیری آن در ابعاد وسیع یا کوچک، چه در فضای داخلی و چه در فضای بیرونی.
- جنبه پوشاندن اثر توسط این رسانه در قالب یک خانه، چیدمان محیطی، لباس و... .
- قابلیت جمع‌کردن، پهن‌کردن، مجاله‌کردن و فرم‌های دیگر برای بیان بهتر مفهوم اثر.

### بحث و بررسی قابلیت‌های الیاف در هنر محیطی

مبحث هنر محیطی، بسیار گسترده و پرداختن به تمامی جزئیات آن، از حیطه این پژوهش خارج است. اصطلاح هنر محیطی از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران به‌صورت یک اصطلاح فراگیر به کار می‌رود. هنر محیطی در وهله نخست، به هنری اطلاق می‌شود که هم مخاطب را در بر می‌گیرد و هم مستقیماً با محیط‌زیست مرتبط است. این اندیشه که در حدود دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی گسترش پیدا کرد، تعامل میان فضا و مخاطب را به‌عنوان یک مؤلفه پسامدرن مدنظر قرار داد. توجه به این امر که بازدیدکننده بتواند وارد اثر شود، به‌گونه‌ای که با احاطه‌شدن توسط اثر، خود به‌مثابه بخشی از اثر گردد، در نیمه دوم قرن بیستم به‌عنوان یک عامل مؤثر و یکپارچه از منظر زیبایی‌شناسانه و مؤلفه‌های

بدین طریق، درک مخاطب را از تصور آنچه واقعی یا سایه است، به چالش می‌کشند.

این ویژگی را به‌خوبی می‌توان در اثر ارنستو نتو با عنوان «آنتروپودینو»<sup>۲۲</sup> (تصویر ۱) مشاهده کرد. در این اثر که یکی از بزرگ‌ترین چیدمان‌های این هنرمند است، فضای وسیعی از پارک نیویورک با تونل‌هایی از پارچه‌های کشیده‌شده و چوب‌هایی به‌شکل استخوان دایناسورها پر شده و این احساس منع‌ناپذیر و سرکش را به بازدیدکنندگان می‌دهد که در حال سفر به داخل بدن یک موجود هستند. نتو از پارچه به‌عنوان یک ابزار قدیمی استفاده کرده که به‌واسطهٔ خلاقیت فردی، اثری را در قالب هنر معاصر خلق کرده است. آثار نتو به‌شکل بارز، بیانگر حضور اثر بدون هیچ واسطه‌ای برای عموم مردم و فراهم‌آوردن فرصتی هستند تا مخاطبان بتوانند وارد اثر شوند و به دور آن بچرخند. همچنین می‌توان به‌خوبی شاهد انطباق‌پذیری الیاف و پارچه برای بیان بهتر فضا و مکانمندی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های پست‌مدرن در شکل‌گیری اثر بود.

- امکان ایجاد فضا و فضا‌مندی در آثار چیدمان الیاف در این‌گونه آثار، معنا و مفهوم فضا به‌شکل چشمگیری پررنگ‌تر شده و دیگر جزئی از یک اثر هنری به شمار می‌آید. فضا، اثر هنری و مخاطب، هر یک به‌عنوان عنصری مهم اهمیت یافته است. این موضوع در تصویر ۱ به‌خوبی نمایان است.

- انطباق‌پذیری الیاف با محیط و طبیعت از دیگر هنرمندانی که از انطباق‌پذیری الیاف و پارچه با محیط و طبیعت در خلق آثار خود بهره‌جسته، می‌توان به چیهارو شیوتا اشاره کرد.

وی در اثر خود با عنوان «خواب آگاهانه»<sup>۲۳</sup> (تصویر ۲) که در بیستمین بینال سیدنی<sup>۲۴</sup> در سال ۲۰۱۶ با الهام از جزیرهٔ کوکوتو<sup>۲۵</sup> به نمایش درآمد، فضای سرد و

پست‌مدرن، ایفای نقش کرد. بیشتر هنرمندان بر این باور بودند که هدف اثر هنری، نه‌فقط در تزئین، سرگرمی موقت یا کسب مال و مقام است، بلکه ریشه در فعالیت‌های پرمعنا دارد که به‌واسطهٔ آن، هنرمند می‌تواند مخاطب را در تماس با جهان قرار دهد (Smith, 1998).

- امکان ورود مخاطب به درون محیط اثر هنری - ارائه و چیدمان هنر الیاف در قالب هنر محیطی، این امکان را به آثار می‌دهد تا اثر هنری، خود را بدون هیچ واسطه‌ای در برابر عموم قرار دهد. گاه این چیدمان‌ها چنان نزدیک و صمیمی‌اند که مخاطبان را به درون فرامی‌خوانند و آن‌ها را در بر می‌گیرند و این فرصت را فراهم می‌سازند تا مخاطبان بتوانند وارد اثر شوند. این احساس، شگفت‌انگیز و گاه همراه با آرامش است که در انبوهی از الیاف، پارچه و دوخت احاطه شوی یا گاه بتوانی آن را برای درک بهتر لمس کنی. این احساس سیال و شناور می‌تواند از طریق اشیای ظریفی همانند نخ‌ها و رشته‌های الیاف ایجاد شود.

- تنوع الیاف و ایجاد اثر هنری در ابعاد و اندازه‌های غیرمتعارف

به‌واسطهٔ وجود انواع الیاف، هنر الیاف نیز می‌تواند بسیار متنوع باشد. چیدمان این آثار فقط در قالب یک بوم محدود نمی‌شود. گاه هنرمند در حال ساختن بوم خود در ابعاد و اندازهٔ یک اتاق و حتی خانه، در قالب چیدمان محیطی است. گاه می‌توان با چیدمان این آثار در محیط، به یک بیان بی‌نظیر دست یافت که درک مخاطب از رنگ‌ها، سایه‌ها و حجم‌ها را در فضا و محیط پیرامون خود به سطح جدیدی می‌رساند. وقتی بیننده به دور اثر می‌چرخد یا وارد آن می‌شود، عناصر با هم تراز می‌شوند و گاه از این تعادل خارج شده و

تاریکی را که سابقاً زیستگاه ۱۷۰ نفر از مجرمین بود، نشان می‌دهد.



تصویر ۱- ارنستو نتو، آنتروپودینو، ۲۰۰۹ (منبع: URL1)

مردم و فراهم آوردن فرصتی است تا مخاطبان بتوانند وارد اثر شوند و به دور آن بچرخند. بنابراین از دیگر دلایل به‌کارگیری الیاف و پارچه می‌توان به تنوع بسیار و قابلیت انعطاف‌پذیری زیاد این مترسال‌ها به‌عنوان یک رسانه تولید هنری اشاره کرد. تنوع در ابعاد هنر الیاف و پارچه و به‌کارگیری آن با وسعت بسیار در چیدمان‌های محیطی، خواه فضاهای داخلی و خواه فضاهای بیرونی نظیر طبیعت و خواه در معماری، مورد توجه قرار گرفت. انعطاف‌پذیری در ابعاد، خصیصه بارز این این رسانه است. گاه هنرمند آن را در قالب یک گل‌دوزی کوچک بر دیوار موزه یا گالری ارائه می‌دهد یا گاه آن را در ابعاد بزرگ و وسیع، در قالب پوشاندن یک خانه و چیدمان محیطی به نمایش می‌گذارد. قابلیت‌های آویخته‌شدن که در تقابل با نیروی گرانش زمین و بیانگر مفهوم تعلیق در ذهن مخاطب است، از جمله مفاهیمی است که توسط هنرمندانی چون چهارو شیوتا به کار گرفته شده است. او اثری با عنوان «کلمات گمشده»<sup>۲۶</sup>

در این اثر شیوتا تعدادی از تخت‌های قدیمی آهنی را به‌صورت عمودی نصب کرده که همه با نخ‌های سیاه، مانند پیلۀ کرم ابریشم پوشیده شده بودند. این اثر، تمثیلی از حبس و زندانی است. در تصور شیوتا، مجرمان بدون جایی برای استراحت، باید به‌صورت عمودی و به مدت طولانی به‌صورت ایستاده می‌خوابیدند. در انتهای سالن، تنها یک تخت‌خواب افقی دیده می‌شود که نه برای آزادی یا خواب، بلکه نمادی از مرگ است. هنرمند به این طریق، مخاطب را به درون فضایی سیال و پراحساس می‌برد و او را با حقایق و ناگفته‌های دردناک تاریخ مواجه می‌کند. شیوه ممتاز شیوتا به‌عنوان نوعی مدیتیشن مداوم در گذشته و حال، استفاده از نخ‌هایی مانند تار عنکبوت است که به‌صورت توده عظیمی از شبکه‌های انتزاعی پیچیده، در اغلب آثار او می‌توان دید؛ مجموعه‌ای که در آن، مخاطب می‌تواند به درون اثر وارد شود و خود، بخشی از اثر شود یا آن را لمس کند. این آثار به‌شکل بارز، بیانگر حضور اثر بدون هیچ واسطه‌ای برای عموم

(تصویر ۳) را در قدیمی‌ترین کلیسای برلین، سنت نیکلاس کیچ<sup>۲۷</sup> ارائه داد. فضای داخل این کلیسا با

الیافی سیاه‌رنگ و درهم‌تنیده پر شد؛ به‌گونه‌ای که تونلی را رو به‌سوی آسمان نشان می‌دهد.



تصویر ۲- چهارو شیوتا، خواب آگاهانه، ۲۰۱۶ (منبع: URL2)

در میان این نخ‌های سیاه درهم‌تنیده، هزاران صفحه از انجیل به زبان‌های متفاوت، گویی در گردبادی سیاه گیر کرده‌اند و در باد می‌رقصند. هدف هنرمند از این اجرای محیطی، برقراری ارتباط میان اثر و تاریخ مسیحیت در ژاپن است. از نظر او این شبکه نخ‌های درهم‌تنیده، نشان‌دهنده رابطه انسان‌هاست. بعضی در هم بافته شده و بعضی بریده و دوباره به هم وصل شده‌اند؛ درحالی‌که مسیرهای متفاوتی را می‌روند. رنگ سیاهی که برای این کار انتخاب شده، چیزی جهان‌شمول مثل آسمان شب است. با ورود به اثر، مخاطب خود را در گذر تاریخ می‌بیند؛ آنچه مسیحیت به‌عنوان یک نگرش مذهبی بر دیگر کشورها از جمله ژاپن وارد آورد.

هنرمند با تسخیر اشیا از این طریق، فضایی ایجاد می‌کند که الهام‌بخش و فراخوانی به تفکر در گذشته همراه با مراقبه بر رویدادهای آینده است. برخورد

گذشته و حال و ناپایداری و بی‌ثباتی در فرم‌ها، فضای اسرارآمیز و لمس‌پذیری به وجود می‌آورد که در مرکز آن، بیننده و هنرمند ایستاده است. شیوتا نقاشی بر بوم را محدود می‌دانست؛ محدودیتی که در آن نمی‌توان حرکت کرد. بنابراین شروع به آزمایش با نخ‌ها کرد. متریالی که به او اجازه درک تجربه ملموس‌تر از خلق آثار سه‌بعدی را می‌داد. وی در این باره می‌گوید: «استفاده از شبکه‌های نخ، چیزی است که به من این اجازه را می‌دهد که فضا را مانند یک خط در صفحه نقاشی کشف کنم. من با نخ فضا را طراحی می‌کنم و این خطوط، خط میان نظم و هرج‌ومرج هستند» (Cantz, 2011).

- امکان استفاده از قابلیت‌هایی چون جمع و پهن کردن یا مچاله کردن الیاف

قابلیت‌هایی نظیر جمع کردن، پهن کردن، مچاله کردن و همچنین تنوع بسیار زیاد در بافت و رنگ‌های متنوع



پارچه، قابلیت بعدی و منحصر به فرد الیاف به‌عنوان یک متریال در خلق آثار معاصر است. «آباکانز»<sup>۲۸</sup> (تصویر ۴) اثر مگدلنا آباکانوویچ، از جمله آثاری است که بر اساس این قابلیت‌ها شکل گرفته است. علاقه آباکانوویچ به استفاده از منسوجات و پارچه و بافت به‌عنوان یک ابزار قدیمی و تبدیل آن به متریالی نوین در هنر حجم‌سازی، حاکی از بهره‌مندی از ویژگی‌های سنتی هنر الیاف و تلفیق آن با هنر معاصر در یک پیکر است. آثار او همانند «آباکانز»، بدون هیچ واسطه‌ای در دسترس مخاطب قرار دارد؛ به‌طوری که مخاطب می‌تواند آزادانه دور اثر بگردد و آن را لمس کند. همچنین در این اثر به‌خوبی شاهد به‌کارگیری و بهره‌مندی از قابلیت جمع‌کردن و پهن کردن اثر هستیم؛ به‌گونه‌ای که بخشی از آن آویزان و بخش دیگر آن بر زمین پهن شده است. انطباق‌پذیری بافت و پارچه و به‌کارگیری آن در ابعاد وسیع، به‌خوبی در آثار او آشکار است.

از دیگر هنرمندانی که از این قابلیت بهره جست، می‌توان به شیلا هیکس در اثر «دباس»<sup>۲۹</sup> (تصویر ۵) اشاره کرد. تلفیق دیدگاه‌های نوین هیکس در ارتباط با الیاف و هنر نساجی اماکن باستانی، گواه دیگری بر قابلیت‌های منحصر به فرد الیاف به‌عنوان یک رسانه معاصر است. نمایشگاه هیکس در میامی، نشان از تکریم این هنرمند برای دست‌سازها دارد. در این

نمایشگاه، اثر «دباس» یکی از زیباترین و چشمگیرترین آثار هنری است که وی از قابلیت آویزان و پهن کردن الیاف در آن، به‌خوبی بهره برده است؛ به‌گونه‌ای که بخشی از اثر، آویزان و بخش دیگر آن بر زمین پهن شده است. با نزدیک شدن مخاطب به این اثر، او در میان دو تاپستری قرمز رنگ که به‌صورت نردبان آویزان شده، قرار می‌گیرد و در پس آن، خود را روبه‌روی آبخاری از رنگ می‌یابد. کوک‌زدن در آثار بسیاری از هنرمندان، بیانگر دوختن، تداوم، اتصال، حرکت یا ایجاد بافت است؛ همان‌طور که در آثار سایر هنرمندان، آن‌ها با گره‌زدن و بستن نخ‌ها گاه در آثار خود تعلیق، ناپایداری و گاه ثبات و استحکام را بیان می‌کنند.

- قابلیت پوشاندگی الیاف، ضخامت، جنس، طرح و نقش

یکی از قابلیت‌های الیاف و پارچه، امکان پوشاندگی سطوح با آن است. انواع پارچه‌ها و الیاف به‌واسطه فرم، رنگ و ترکیب می‌توانند حاوی بن‌مایه‌هایی چون سنت و فرهنگ باشند و به عناصر بومی و منطقه‌ای یا ادوار تاریخی ارجاع دهند. از هنرمندانی که با استفاده از این قابلیت، به خلق اثر هنری پرداخته‌اند می‌توان به بینکا شونیبار اشاره کرد. او در اثر «پسر ترمپتزن»<sup>۳۰</sup> (تصویر ۶)



تصویر ۳- چیهارو شیوتا، کلمات گم شده، ۲۰۱۷ (منبع: URL3)



تصویر ۴- مگدلنا آباکانوویچ، آباکانز، ۱۹۶۷-۱۹۶۸ (منبع: URL4)



تصویر ۵- شایلا هیکس، دباس، ۲۰۱۷ (منبع: URL5)

کرده و پسر موزیسین خود را با سری کروی که خاطره تمام هنرمندان موسیقیدان جهانی را در خود دارد، تجسم می‌بخشد.



تصویر ۶- بینکا شونبار، پسر ترومپتزن، ۲۰۱۰

(منبع: URL6)

از دیگر موارد انعطاف‌پذیری رسانه دوخت می‌توان به ضخامت‌های اشکال متفاوت، نرمی و زبری، قابل نفوذ بودن و قابل لمس بودن آن‌ها اشاره کرد. گاه این

از الیاف و پارچه برای به چالش کشیدن هویت فرهنگی بهره جسته و به تلفیق هنر بومی و خلاقیت خود در چارچوب هنر معاصر پرداخته است. او با ساختن انواع فیگورهای انسانی و سایر احجامش این امکان را برای مخاطب فراهم آورده تا بتواند به‌راحتی از قابلیت چرخیدن به دور اثر و لمس آن بهره جوید. علاوه بر این، به‌واسطه قابلیت پوشاندگی پارچه و الیاف، فرهنگ سرزمین مادری هنرمند در قالب پارچه سنتی و لباس بر تن فیگور انسانی به نمایش گذاشته است.

در این مجسمه که در سال ۲۰۱۰ ساخته شد، یک پسر بچه با کت ویکتوریایی، شلوار، کراوات، جوراب‌های زردرنگ روشن و چکمه‌های قهوه‌ای، به‌طور مشخص در معرض دید بیننده قرار می‌گیرد. شونبار با استفاده از یک کره آسمانی به‌جای سر انسان، پسر را از درگیر شدن در یک نژاد یا فرهنگ خاص دور می‌کند و او را جهانی می‌نماید.

علاوه بر این، او به‌جای اسامی ستارگان بر نقشه، از اسامی موسیقی دانان مشهور از همه نژادها استفاده

این هشت قابلیت عبارت‌اند از:

- تلفیق چند دوره هنری به واسطه امکان یادآوری و آشناپنداری با هنر گذشته و آشنایی‌زدایی در هنر معاصر.

- امکان استفاده از الیاف در ابعاد وسیع و ساخت یک فضای داخلی یا خارجی که فارغ از ساختمان اجرا می‌تواند مفهومی جدید و خاص از فضا را در خود شکل دهد.

- امکان لمس و تجربه اثر هنری برای ارتباط بهتر مخاطب با اثره.

- امکان ورود مخاطب به اثر و حرکت در داخل اثر هنری.

- امکان چرخیدن دور اثر.

- مخاطب نه به‌عنوان سوژه‌ای منفعل، بلکه به‌عنوان سوژه‌ای فعال در مواجهه با اثر هنری می‌تواند در داخل آن رفته و خود، جزء فضا و اثر هنری شود.

- قابلیت جمع و پهن کردن، دوختن، پاره کردن، انعطاف‌پذیری و تغییرشکل اثر به‌واسطه عنصر سومی چون باد یا آویختن و رهاکردن که عنصر حرکت را وارد اثر هنری می‌کند.

تمامی این موارد، امکان بیانگری ایده و انتقال اندیشه را توسط الیاف نه به‌عنوان یک شیء هنری، بلکه به‌عنوان یک رسانه بیان‌گرا ایجاد می‌کند؛ رسانه‌ای که می‌تواند درونی‌ترین و حساس‌ترین احساسات را به‌صورت نمادین انتقال دهد و با در بر گرفتن مخاطب، فضای ذهنی او را نیز احاطه کرده و تأثیرگذاری خود را به بیشترین حد برساند. این موضوع، خصوصاً در انواع هنرهای تلفیقی میان الیاف و هنر محیطی، امکان‌پذیر است.

قابلیت‌ها ریشه در ضمیر ناخودآگاه انسان‌ها دارد؛ به‌طوری که در بسیاری از این آثار می‌توان آن‌ها را در آغوش کشید و احساس گرمی آن را همانند لحاف دوران کودکی به خاطر آورد. بدین ترتیب، شاید بتوان گفت تمامی افراد، چه مخاطبان و چه هنرمندان، در برابر این رسانه، واکنشی خوب و مثبت دارند.

### نتیجه‌گیری

در عصر حاضر، انسان با تنوع چشمگیر، پیچیده، متناقض و چندگانه از انواع هنر روبه‌روست. یکی از دغدغه‌های هنر پست‌مدرن، برقراری ارتباط با مخاطب برای انتقال ایده است که استفاده از انواع متریال‌ها، سبک‌ها و فرم‌ها را برای هنرمند امکان‌پذیر می‌کند. در این میان، مرز میان هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی نیز از بین می‌رود و متریال‌هایی چون الیاف و پارچه، این امکان را می‌یابند که در بستری جدید و تازه، امکاناتی را در اختیار هنرمند قرار دهند که شاید در دیگر متریال‌ها ناممکن باشد.

بر اساس مطالعات صورت‌گرفته بر آثار هنرمندانی که در این پژوهش به آنان اشاره شده، می‌توان نتیجه گرفت مدیوم دوخت، پارچه و الیاف برای بیان ایده‌هایی که در تلاش برای ساختن فضایی رؤیایی، نمادین، سوررئال و خیال‌انگیز باشند، مناسب است. الیاف دارای هشت قابلیت در بستر هنر معاصر هستند که در هنرهای سنتی دیده نمی‌شود.

## پی نوشت

1. Fine Art
2. Useful Art
3. fiber art
4. Magdalena Abakanowicz
5. Elissa Auther
6. Mildred Constant
7. Jack Lenor Larsen
8. Suzanne Barizerman
9. Larsen & Constantine
10. Janice Jefferies
11. Sharon Marcus
12. Ernesto Neto
13. Chiharu Shiota
14. Magdalena Abakanowicz
15. Sheila Hicks
16. Yinka Shonibare
17. bauhaus school
18. Judy Chicago
19. Miriam Schapiro
20. pattern and decoration
21. hippie
22. anthropodino
23. conscious sleep
24. sydney biennale
25. cockatoo
26. lost words
27. St. Nicholas Church
28. abakans
29. the bass
30. trompet boy

## فهرست منابع

- Auther, Elissa (2015), Fiber Art and the Hierarchy of Art and Craft, 1960-80. Published online. pp.13-33.
- Barizerman, Suzanne (2004), California and the Fiber Art Revolution. Textile Society of America Symposium Proceedings. Retrieved 22 May 2013.
- Constantine, Mildred; Larsen, Jack (1981), The Art Fabric: Mainstream, New York: van nostrand reinhold.
- Constantine, Mildred (1973), Beyond Craft: the Art Fabric. Tokyo: kodansha international.
- Getlein, Mark (2008), Living with art. McGraw Hill. pp. 288–289.
- Gillow, John; Sentence, Bryan (2005), Word Textile: A Visual Guide to Traditional Techniques. Extended holiday return window till.
- Jefferies, Janice (1995), Text and Textiles: Weaving Across the Borderlines. In new feminist art criticism: critical strategies. Manchester University Press
- Marcus, Sharon (2004), Critical Issues in Tapestry. A Quarter Review of Tapestry Art Today. Retrieved (2013).
- Smith, Roberta (2002), Judith Scott. Cocoon. The New York Times.

## منابع اینترنتی

- Website: Tanya Bonakdar Gallery  
URL1: [www.tanyabonakdargallery.com/~ernesto-neto-anthropoid-park-avenue~](http://www.tanyabonakdargallery.com/~ernesto-neto-anthropoid-park-avenue~)  
Accessed at: 2023.03.03
- Website: The Monthly  
URL2: [ww.themonthly.com. ~Fartistic-immunity&psig~](http://ww.themonthly.com.~Fartistic-immunity&psig~)  
Accessed at :2023.03.03
- Website: Artnet News  
URL3:<https://news.artnet.com/art-world/chiharu-shiota-1105391> Accessed at: 2023.03.03
- Website: I am Textile Word Press  
URL4: [iamtextile.wordpress.com/sculptural-textiles-magdalena-abakanowicz~](http://iamtextile.wordpress.com/sculptural-textiles-magdalena-abakanowicz~)  
Accessed at: 2023.03.03
- Website: Galerie Magazine  
URL5:<https://galeriemagazine.com/sheila-hicks-transforms-bass-miami-dazzling-new-show/>  
Accessed at: 2023.03.03
- Website: Art UK  
URL6: <https://artuk.org/discover/artworks/trumpet-boy-251345> Accessed at: 2023.03.03